

بسم اﷲ الرحمن الرحيم  
از حکمت های نورانی حضرت امیرمومنان صلوات اﷲ و سلامه علیه  
در محضر آیت اﷲ استاد محمد شجاعی (مد ظله العالی)

احمقُ الحُمقُ الاغترارُ"  
غرر الحکم ج 2 ص 238

عقل که از کار افتاد، انسان فریب می خورد؛ با نوار، کتاب، ماهواره و ... همه جا را شیاطین پر کرده که انسانها را به اضلال بکشاند؛ و کسانی را که مقید به عبادات و بندگی و... هستند، افسانه می دانند؛ در صورتی که خودشان افسانه هستند. در جاهای متعددی در قرآن آمده که کفار و مشرکین می گفتند: ان هذا الا اساطیر الاولین؛ قرآن و کتابهای دیگر اساطیر هستند. «...اذ جاءوک یجادلونک یقول الذین کفروا ان هذا الا اساطیر الاولین» (سوره انعام آیه 25) وقتی جاهلان کافر، پیش تو می آیند، با تو به مجادله می پردازند و می گویند، این که تو آورده ای، نیست، مگر افسانه های گذشتگان. مولوی می گوید، نه تنها فکرشان افسانه است، اصلا سر تا پای وجودشان افسانه شده است.

خدمین تر از تو هیچ افسانه نیست  
بر لب گور خراب خود بایست  
خنده دارتر از خود تو، افسانه ای نیست، حال که مرده ای، سر قبر خودت بایست، سر قبر کس دیگر نمی خواهد، بایستی.  
این چیز تازه ای نیست، این از اول بوده که به رسول اﷲ صلی اﷲ علیه و آله و سلم می گفتند اینکه تو آورده ای همه افسانه است؛ الان هم هست، اینها عقلشان از کار افتاده، لکن باید انسان عقل و فهم داشته باشد. کسی که می خواهد بداند که عقلش خوب کار می کند، ببیند، ملتزم حق هست، اگر بود، عقل دارد.

" تَمَرَةُ الْعَقْلِ لِرُؤْمِ الْحَقِّ "  
غرر الحکم ج 2 ص 148

هر چیز ثمره ای دارد. اگر می خواهید بدانید عقل ثمره دارد، ببینید انسان ملتزم حق هست، پس عقل دارد؛ اگر ملتزم نبود، عقل ندارد.  
عقل کاذب، خود بود معکوس بین  
زندگی را مرگ ندارد یقین

عقل کاذب حق را مرده می پندارد و آن یکی را زندگی می داند. و در این صورت که عقل، کاذب باشد و از طرفی نفس، محکم و آماده، نتیجه ای جز، غلبه نفس و مغلوب بودن عقل، و خسران در نقل و قول عقل، نخواهد بود.